



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
**منصور حکمت**

## انترناسیونال

# هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

### حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

# ۱۳۹

۶ دی ۱۳۸۱

۲۷ دسامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

### دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## جایگاه رفرااندوم در تحولات سیاسی ایران

### ۲- رفرااندوم برای تعیین حکومت بعد از رژیم اسلامی

فاتح بهرامی

در بخش اول این بحث در هفتگی شماره ۱۳۷ اشاره کردم که شعار رفرااندوم در درون حکومت، که اساسا از طرف دوزخدای ها با هدف تهدید جناح راست و در متن جدال های دو جناح مطرح می شود، پوچ و بی پایه است، زیرا نه جناح راست به آن تن میدهد و نه مردم حاضرند با ماندگاری جمهوری اسلامی کنار بیایند. رفرااندوم در جمهوری اسلامی شعار مردم نیست و ابزار تغییر چیزی نیست و برگزاری آنهم بدلیل موضع مردم در قبال کل حاکمیت و بدلیل موقعیت جناح راست قابل انجام نیست. در ادامه این بحث در اینجا به جایگاه و هدف شعار رفرااندوم برای تعیین حکومت بعد از جمهوری اسلامی میپردازم که از طرف بخشی از اپوزیسیون سرنگونی طلب، و در راس آنها سلطنت طلبان، مورد تاکید قرار میگیرد.

واقعیت اینست که هر حزب و جریان سیاسی خواهان برقراری حکومتی است که با اهداف و منافع طبقاتی اش سازگار باشد و آنرا تامین کند، و دولت مورد نظرش هم ارگانی خواهد بود برای حفظ آن منافع. طرح و برنامه ای هم که برای اداره جامعه به مردم ارائه میکند و همچنین روشی که برای رسیدن به قدرت و بدست گرفتن حکومت پیشنهاد میکند نیز با آن اهداف و منافع طبقاتی همخوانی دارد، ابزار پیشبرد اهدافش هم نمیتواند در خدمت تامین آن منافع نباشد. این نکته یک موضوع اساسی برای بررسی محتوای تبلیغات کلیه جریاناتی است که برای رقم زدن آینده سیاسی ایران در صحنه سیاست حضور پیدا میکنند و فعالیت میکنند. بطور کلی، آن جریان سیاسی که خواهان از میان رفتن استثمار و تبعیض و نابرابری در جامعه است و وجود اینها را مغایر با شان و حرمت و حقوق انسان میداند، با جریان سیاسی دیگری که بقای استثمار و تبعیض و نابرابری در جامعه را برای تامین منفعت خود و طبقه اش لازم و ضروری میداند، بر سر نوع حکومت و نحوه اداره جامعه و دایره حقوق و آزادی های مردم در جامعه اختلاف اساسی و جدی دارند. این دو جریان متعلق به دو جنبش طبقاتی و اجتماعی هستند که با هم در تضاد هستند. بنابراین احزاب سیاسی ای که متعلق به این دو جنبش هستند برای اداره جامعه و سازمان اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن پاسخهای کاملا متفاوت دارند. تعریفشان از حق و آزادی، از انسان و جایگاه آن، و از نقشی که انسانها باید در کلیه عرصه های جامعه و زندگی خود ایفا کنند، متفاوت و مغایر با هم است. بنابراین پرچی که احزاب

## منشور آزادی های سیاسی معیار احترام به اراده مردم

مصاحبه با  
آذر ماجدی

تامین این ملزومات تلاش کنیم. بخصوص در جامعه ای چون ایران که همواره تحت دیکتاتوری خشن و سرکوب سیاسی قرار داشته است، جامعه ای که تجربه تلخ و خونین سرکوب یک انقلاب عظیم را پشت سر دارد، مبارزه برای تامین چنین شرایطی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مردم ایران هیچگاه این امکان را نداشته اند که در شرایطی آزاد و امن در زندگی سیاسی شرکت کنند و نظام حاکم بر جامعه را انتخاب کنند. لذا بسیار مهم و حیاتی است که مفاد منشور وسیعا در جامعه اشاعه یابد و منشور آزادی های سیاسی همچون یک امر بدیهی و غیر قابل چشم پوشی در سطح جامعه تثبیت گردد. تعهد به این منشور باید به یک فاکتور مهم در قضاوت احزاب و جریانات سیاسی بدل شود. بنظر من میزان احترام به رای و اراده مردم، احترام

و برابری طلبانه مردم را نمایندگی میکند ضمانتی است در این جهت. اما این هم محتمل است که جمهوری اسلامی از طریق بند و بست از بالا و یا از طریق کودتا سرنگون شود. در این شرایط تلاش میشود تا حکومتی را علیرغم خواست مردم به آنها تحمیل کنند، از دخالت مردم در زندگی سیاسی ممانعت بعمل آید، و آزادی های سیاسی شدت محدود شود. نقش منشور آزادیهای سیاسی بویژه برای جلوگیری از پیش آمدن چنین شرایطی برجسته میشود.

منشور آزادی های سیاسی از نظر ما ابزاری است برای تامین شرایط مناسب سیاسی برای دخالت مردم در زندگی سیاسی جامعه، برای تامین حداقل ملزومات فعالیت آزاد سیاسی که شرط لازم انتخاب آزادانه مردم است. در اوضاعی که سرنگونی جمهوری اسلامی به یک امر بدیهی و فوری در جامعه بدل شده است، حیاتی است که رای

**هفتگی:** انتشار منشور آزادی های سیاسی یکی از اقدامات دفتر سیاسی حزب به منظور تامین شرایط لازم برای دخالت مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران است، نقش این منشور در شرایط حاضر چیست؟

**آذر ماجدی:** جمهوری اسلامی در حال سرنگونی است. سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند در شرایط مختلفی انجام گیرد. کاملا ممکن است که جمهوری اسلامی از طریق انقلاب توده ای سرنگون شود. این بهترین و مطلوب ترین شکل سرنگونی جمهوری اسلامی از نقطه نظر منافع مردم است. هر چه مردم بیشتر در صحنه اعتراض و مبارزه حضور داشته باشند و به نیروی مبارزه خود جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، امکان و شانس برقراری نظامی که بر منافع مردم منطبق است، بیشتر است. وجود حزب کمونیست کارگری، حزبی قوی که منافع و خواسته های آزادیخواهانه

## انقلاب، شوراها، و آزادیهای سیاسی

حمید تقوائی

و غیر مجاز اعلام میشود. عبارات دیگر اپوزیسیون راست رژیم، دقیقا بخاطر راست بودنش، اپوزیسیون انقلاب نیز هست.

در مقابل، حزب کمونیست کارگری پرچمدار جنبش سرنگونی است. ما خواهان حضور هر چه وسیعتر و متشکل تر مردم، کارگران و زنان و جوانان در میدان مبارزه هستیم. ما میخواهیم جمهوری اسلامی را بقدرت انقلاب مردم سرنگون کنیم، و از ایشرو وظیفه خود را تقویت جنبش سرنگونی، هر چه بیشتر متشکل کردن صفوفش، و رادیکالیزه کردن و روشن و شفاف کردن شعارها و اهداف آن قرار داده ایم.

تدریج گرای حکومت که تمام هنرش ممانعت از مبارزات مردم بانتظار تحولات از بالا است نیز اساسا علت وجودیش را از دست میدهد.

در موضوعگیریهایی اپوزیسیون راست حکومت، ناسیونالیسم پروغری و یا سلطنت طلب، نیز عکس العمل نسبت به جنبش سرنگونی طلبانه مردم نقش تعیین کننده ای داشته است. بر حذر داشتن مردم از "خشونت" در مقابله با رژیم، تز نافرمانی ملنی و بالاخره شعار رفرااندوم بخشی از سیاستهایی است که اپوزیسیون راست در برابر مردم اتخاذ کرده است. محور تمام این سیاستها جلوگیری از تعمیق و گسترش جنبش سرنگونی است. اپوزیسیون راست میخواهد مردم تا ضربه نهائی به پیش نروند و انقلاب دیگری در ایران رخ ندهد. این شانس برای اعاده رژیمی که خود یکبار با انقلاب کنار زده شده است باقی نمیگذارد. در استراتژی راست مردم همانقدر اهمیت دارند و نیرویشان بحساب میآید که راه را برای نوعی بند و بست و کودتا از بالا هموار کنند. بیش از آن از چارچوب نافرمانی ملنی بیرون میروند

ما بارها بر این واقعیت تاکید کرده ایم که عامل پایه ای و تعیین کننده در تحولات سیاسی ایران جنبش اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی است. جنبش سرنگونی که حدود ۶ سال است با پرچم نه به کلیت رژیم ادامه دارد سرمنشا بسیاری از تحولات سیاسی در این دوره بوده است: از علم شدن خاتمی و رئیس جمهوری وی تا بحران و اختلافات درونی حکومت و تا بوجود آمدن خط دوزخداد در بیرون و درون رژیم، بسیاری از سیاستها و موضعگیری های حکومتیان از راست و "اصلاح طلب" در واقع عکس العمل در مقابل جنبش سرنگونی طلبانه مردم بوده است. بدون این جنبش شخصیتهای دوزخدای همچنان زیر علم ولی فقیه مشغول سازمان دادن زنان و اعدام و سرکوب بودند و صحبتی هم از ضرورت "اصلاحات" و "دموکراسی اسلامی" در میان نبود. نه خاتمی موضوعیتی پیدا میکرد و نه بنیاده دوزخداد و بهمه راه آنان خیل اپوزیسیون اصلاح طلب و

مصوبات اخیر دفتر سیاسی قدیمی در این جهت است. اقدامات طرح شده در قطعنامه، یعنی اعلام نشست نمایندگان شوراها بعنوان ذیصلاح ترین ارگان تعیین نظام آتی و منشور آزادیهای سیاسی در خدمت تقویت جنبش سرنگونی قرار دارند. این اقدامات اثباتا پیش شرطها (آزادیهای سیاسی) و نحوه دخالت مردم در تعیین حکومت (شوراها) را بر روشنی تعریف

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!



## مصاحبه با آذر ماجدی

به آزادی و درجه احساس مسئولیت احزاب سیاسی را باید با درجه تعهد آنها به این منشور و تلاش شان برای تحقق مفاد آن سنجید. باین ترتیب منشور آزادی های سیاسی نقش مهمی در جدال سیاسی جاری و آتی در ایران بازی میکند. نه تنها تأمین مفاد آن برای تضمین حداقل ملزومات شرایطی که مردم بتوانند آزادانه حکومت آتی را انتخاب کنند، ضروری است، بلکه تعهد یا عدم تعهد جریانات سیاسی به منشور آزادی های سیاسی خود عاملی مهم در دستیابی به یک شناخت و انتخاب آگاهانه توسط مردم است.

**هفتگی:** مفاد منشور بخشی از مجموعه وسیع مطالبات برنامه حزب کمونیست کارگری است که همیشه مورد تأکید بوده. با توجه به این نکته، چه عواملی اهمیت این بندها را بعنوان منشور آزادیهای سیاسی توضیح میدهد؟

**آذر ماجدی:** حزب کمونیست کارگری برای یک جامعه کاملاً آزاد و برابر مبارزه میکند. ما خواهان رفع تبعیض بمعنای واقعی کلمه و نه صرفاً حقوقی هستیم. در نتیجه ما به ریشه نابرابریها دست میبریم. ما خواهان لغو کار مزدی هستیم. یک دینای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری ناظر بر تأمین چنین مناسباتی است. تلاش دائمی ما جلب وسیعترین بخش مردم به این برنامه و برقراری نظامی است که این مناسبات را تأمین میکند. جمهوری سوسیالیستی پاسخ حزب کمونیست کارگری است. لذا روشن است که زمانی که حزب کمونیست کارگری در قدرت باشد نه تنها منشور آزادیهای سیاسی، بلکه آزادیهای بسیار وسیع تری بلافاصله در جامعه تثبیت میشود. تعهد حزب به منشور آزادیهای سیاسی از پیش روشن است، چرا که این مفاد، همانطور که شما گفتید، بخش بسیار کوچکی از مطالباتی است که در برنامه حزب مطرح شده است.

اهمیت منشور آزادی های سیاسی، همانطور که در سوال قبل توضیح دادم، در اینست که حداقل ملزومات یک شرایط آزاد و امن مبارزه سیاسی را تأمین میکند. ملزوماتی که بدون آن امکان فعالیت آزاد مردم در زندگی سیاسی سلب میشود، و در انصورت صحبت از انتخاب آزادانه مردم بپوش خواهد بود. این منشور به یک معنا قواعد مبارزه سیاسی آزاد در جامعه را



## انقلاب، شوراها

میکند و باین ترتیب آن موانع و ابهاماتی که با طرح شیوه هائی نظیر رفاندوم و مجلس موسسان بر سر راه جنبش سرنگونی و نهایتاً انقلاب قرار داده میشود را کنار میزنند. رفاندوم و یا مجلس موسسان مشخصاً صندوق رای را بعنوان آلت‌ناتیو انقلاب مطرح میکنند. این احترام به رای مردمی که هر روز دارند با اعتراضات و مبارزاتشان در سطوح و به نحای مختلف رای به رفتن جمهوری اسلامی میدهد نیست. برعکس،

تعیین میکند. احزاب و جریانات سیاسی را تحت فشار میگذارد تا با تعهد به مفاد آن عملاً احترام خود به اراده و رای مردم را نشان دهند.

**هفتگی:** بلحاظ عملی از امروز با این منشور چکار باید کرد و چه اقداماتی لازم است در دستور گذاشته شوند؟

**آذر ماجدی:** حزب کمونیست کارگری به سهم خود در اشاعه وسیع منشور آزادی های سیاسی فعالانه میکوشد. تلاش میکند تا تعهد به این منشور به محکی برای قضاوت احزاب و جریانات سیاسی بدل شود. باید کاری کرد تا منشور آزادی های سیاسی به یک امر بدیهی و غیرقابل چشم پوشی در سطح جامعه تبدیل شود.

بعلاوه ما این منشور را برای کلیه احزاب و جریانات اپوزیسیون خواهیم فرستاد و از آنها دعوت خواهیم کرد که در دیالوگ بر سر مفاد آن و اعلام تعهد به آن فعلاً شرکت کنند. بنظر من هر حزب و جریان سیاسی که مدعی است به رای و اراده مردم احترام میگذارد باید از چنین منشوری استقبال کند. باید در نظر داشت که جهت اعلام تعهد به چنین منشوری از جانب اپوزیسیون انتظار توقع سیاسی در جامعه را ارتقاء میدهد و این خود یک امر مهم است. درگیر شدن علنی اپوزیسیون در دیالوگ بر سر منشور آزادی های سیاسی و اعلام و یا عدم اعلام تعهد به منشور در انظار عموم، در جهت گیری جدال سیاسی و دستیابی به آگاهی و شناخت سیاسی در سطح جامعه نقش مهمی دارد. باین ترتیب تا آنجا که به نقش و اهمیت منشور آزادی های سیاسی مربوط میشود، تعهد به منشور و مبارزه برای تحقق مفاد آن مناسبترین حالت است. ولی حتی اگر این شرایط حاصل نشود، امر دیالوگ بر سر آن و اشاعه آن در سطح جامعه و راه افتادن یک جدال سیاسی بر سر آن، نقش مهمی در سیر وقایع سیاسی در ایران و در روند سرنگونی جمهوری اسلامی دارد.

اوضاع خطرناک است، باید جنید و باید کوشید تا شرایطی تأمین شود که مردم بتوانند آزادانه و در شرایطی امن حکومت آتی را انتخاب کنند. ما اجازه نخواهیم داد که یکبار دیگر نظامی را بر مردم تحمیل کنند، زندگی مردم را به مخاطره بیندازند و جامعه را به از هم گسیختگی بکشانند. امیدواریم که جریانات اپوزیسیون نشان دهند که آنها نیز در این نگرانی و تلاش با ما سهیم اند

مقابله با آنست. دامن زدن به این توهم است که گویا میشود جمهوری اسلامی را با رای گیری برکنار کرد. رفاندوم هم مثل "خشونت نکند" و از نافرمانی مدنی فراتر نرود" شعاربست برای محدود و ساقط کردن مبارزات مردم و باز کردن راه برای سازش و بند و بست و یا کودتا از بالا. صندوق رای را بجای انقلاب میگذارند تا دقیقاً حق مردم در تعیین نظام آتی را نفی کنند. معنای عملی رفاندوم برکنار کردن رژیم با صندوق رای نیست، "تحریف و سد کردن انقلاب برای سرنگونی رژیم" است. صندوق رای تنها قرار است به این مقابله با انقلاب یک ظاهر مردم پسند بدهد و بس.

## از صفحه ۱ جایگاه رفاندوم

سیاسی برای آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی بدست میگیرند و روشی که برای تحقق اهدافشان مورد تأکید قرار میگیرند باید در متن اهداف پایه ای تر این جریانات مورد بررسی قرار گیرد که بالاتر به آن اشاره کردم. با توجه به این نکته است که میتوان هدف واقعی شعار رفاندوم را برای تعیین حکومت بعد از رژیم اسلامی بدرستی باز شناخت.

یکی از مدافعین اصلی شعار رفاندوم برای تعیین حکومت آینده ایران جریان ناسیونالیسم طرفدار غرب و سلطنت طلبان هستند. این جریان نماینده بخشی از بورژوازی ایران است که میخواهد سرمایه داری ایران را بر اساس کار ارزان و کارگر خاموش بازسازی کند. برای بازسازی این سرمایه داری و تضمین سود سرمایه و قدرت رقابت در بازار جهانی باید کار ارزان باشد، یعنی بیحقوقی کارگر و پایین نگاه داشتن سطح معیشت او ضروری است. اما این بلافاصله ایجاد میکند که اعتراض طبقه کارگر کنترل شود و به سود سرمایه آسیب نرساند، یعنی باید بتواند با قدرت طبقه کارگر و توان اعتراضی اش مقابله کند. از اینرو این جریان نیازمند برقراری یک نظام سیاسی مبتنی بر یک استبداد پلیسی-نظامی است. جالب است که یکی از سردمداران این جریان مدتی پیش برای بیمه بیکاری و "تنیل" نشدن کارگران خط و نشان کشیده بود. در نتیجه این جریان، مستقل از اینکه موقعیت اپوزیسیونی امروز وادارشان میکند از "احترام به رای مردم" و دموکراسی حرف بزند، خواهان نوع حکومتی است که آزادی و حقوق اکثریت عظیم جامعه را به بند بکشد. اما این جریان در یک شرایطی که وسیعترین آزادیهای سیاسی در جامعه به قدرت مردم آزادخواه برقرار شده باشد، امکان به قدرت رسیدن ندارد چون طبقه کارگر، زنان، جوانان و مردم تشنه آزادی با دست خود حکم اسارت مجدد خودشان را امضا نمیکند. در دنیای واقعی اینها برای به قدرت رسیدن فقط از طریق کودتا و کمک آمریکا و زد و بند از بالای سر مردم شانس دارند. در نتیجه شعار رفاندوم اهمیتش برای اینها بعنوان اپوزیسیون از یکسو یک پوشش تبلیغی برای دمکرات نامی است و از سوی دیگر در شرایطی که اگر توسط کودتا یا دخالت نظامی آمریکا به قدرت رسیده باشند، نقش مشروعیت گرفتن برای حکومت کودتا را دارد. و گرنه رفاندوم با هدف تعیین نوع حکومت ذره ای به اعمال اراده مردم ربط ندارد.

رفاندوم برای تعیین نوع حکومت حتی در بهترین

حالت، یعنی شرایطی که آزادیهای سیاسی در جامعه حاکم باشد و مردم از برنامه احزاب مطلع باشند، هدفش ترمز زدن به ادامه مبارزه مردم و جلوگیری از اعمال اراده آنهاست. زیرا قرار است مردم در یک روز به پای صندوق های رای بروند و مثلاً به حکومت نوع جمهوری یا سلطنتی رای بدهند. بعد از رای کار مردم تمام است و باید به خانه برگردند و از فردا رئیس جمهور یا شاه با دم و دستگاه سرکوش مشغول حکومت کردن میشود، مردم دیگر قرار نیست دخالتی در زندگی و سرنوشت خود داشته باشند، رایشان را داده اند و اکنون صاحب رای است که "حکومت تعیین میکند". در شرایط آزاد سیاسی و حضور وسیع مردم در صحنه سیاست این سناریو اتفاق نیفتاده و جایی هم در چنین وضعیتی حکومتی از طریق رفاندوم سر کار نیامده است. پیام آنهاست که امروز شعار رفاندوم میدهد نیست: مردم انقلاب نکنید؛ دست به "خشونت" نزنید، یعنی به ارگانهای سرکوب و پادگانها و ماشین حمله نکنید و آتزا برای ما که خواهیم آمد نگاهدارید؛ برای اعمال اراده خود و بدست گرفتن سرنوشت خودتان شوراها را تشکیل ندهید؛ ما مبارزه برای احقاق حقوق لگدمال شده و برقراری آزادی واقعی ادامه ندهید، رای دادید حالا برگردید سر کار! اینها مضمون و پیام واقعی شعار رفاندوم است. بهمین دلیل حزب کمونیست کارگری با شعار رفاندوم برای تعیین حکومت آینده ایران مخالف است.

حزب کمونیست کارگری خواهان برپائی جامعه ای بدون استثمار و بدون تبعیض و نابرابری است. خواهان آزادی کامل و بدون تخفیف در کلیه عرصه های مربوط به زندگی انسانهاست. از نظر حزب ما تأمین آزادی و برابری و رفاه مردم از طریق وعده و وعید صورت نمیگیرد بلکه از طریق حضور دائمی مردم برای اعمال اراده خود آنها یعنی مشکل بودن در شوراها قابل تأمین است. بهمین دلیل حزب ما راه رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر را پیروزی کمونیسم کارگری و برقراری جمهوری سوسیالیستی میداند. "پیروزی کمونیسم کارگری و رهائی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز متوجه به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی پیا خاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلت‌ناتیو سیاسی و اجتماعی واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.

گام دیگری است برای بالا بردن سطح انتظار و توقعات مردم و مصون داشتن جنبش سرنگونی از هر نوع تعلق الکن، کلی و ناروشن، و توهم انگیزی که از آزادیهای سیاسی بدست داده میشود. ما همه نیروهای سیاسی مدعی آزادیخواهی و دفاع از مردم را فرامیخوانیم تا به مفاد این منشور متعهد شوند. هر نیرویی که واقعا خواستار سرنگونی رژیم و دخالت مردم در تعیین حکومت آتی است نمیتواند با منشور آزادیهای سیاسی مخالف و یا حتی نسبت به آن بی تفاوت باشد. تعهد و حمایت نیروهای اپوزیسیون از این منشور راه را بر تحریف و سقط کردن جنبش سرنگونی خواهد بست و آتزا تقویت خواهد کرد.

کوتاهترین و عملی ترین راه دخالت مردم در رسیدن به نظام مطلوبشان یک انقلاب بود. حزب ما برای شکل دادن و رهبری این انقلاب باید وظایف بسیاری را در جبهه های مختلف مبارزه به پیش ببرد. طرح نشست شوراها و منشور آزادیهای سیاسی یکی از گامهای است که حزب ما در این راه ببلو بر میدارد. ■

طرح نشست نمایندگان شوراها کل این بازی را به هم میریزد. نه به این معنا که همین امروز از طرح عملی است. بلکه به این دلیل که همین امروز از رفاندوم بعنوان شیوه دخالت مردم در تعیین حکومت سلب صلاحیت میکند و لذا ارزش مصرف امروزی آن را، که تنها کاربرد عملی این شعار است، خنثی و باطل میکند. راهی که شوراها در چشم انداز مردم قرار میدهد دخالت مستمر و مشکل مردم در مقدرات سیاسیشان است، این راه انقلاب است. و راهی که رفاندوم وعده میدهد تمام بیحقوقی و بی اختیاری فرد تنزل یافته به یک رای در هر انتخاباتی است، و این راه سازش و بند و بست و ممانعت از فروریزی کل نظام جمهوری اسلامی است. اپوزیسیون راست البته ناگزیر است اهداف و سیاستهای خود را تحت نام مردم و مردمسالاری و دموکراسی پناهی به پیش ببرد. این یکی دیگر از تأثیرات نقش مردم و جنبش سرنگونی طلبانه آنان در تحولات سیاسی امروز ایران است. حتی جناحهای حکومت نیز تحت نام مردم با مردم مقابله میکنند. منشور